

انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر شاه اسماعیل صفوی؛ مروری بر

متون پژوهشی

- ^۱ افشین شکارچی
- ^۲ فاطمه شیخلووند
- ^۳ خدابخش اسدالهی
- ^۴ زیبا قاسم‌زاده ابلی

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر شاه اسماعیل صفوی انجام گرفت. طرح پژوهش مروری و از نوع توصیفی و تحلیلی بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای است. بر اساس نتایج و بررسی جامعه‌شناسی ادبیات (نثر و نظم) عصر شاه اسماعیل صفوی، وجود سطح بالایی از محتوای عصر شامل تغییرات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی در قالب‌های ادبی و تولیدات ادبی است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که زبان اکثر شعرای این عصر در راستای هویت دینی و حفظ وحدت ملی بود که اوضاع اجتماعی را ترسیم می‌کرد، لذا دوره صفوی نقطه قوت تاریخ کشور ما را تشکیل می‌دهد، چراکه وقتی دولت صفوی قوام گرفت و آنگاه که تثبیت شد، تحول عمیقی را در ایران آغاز کرد و گرچه این تحول با ابزارهای سنتی صورت می‌گرفت، اما سبب شکوفایی همه‌جانبه در ایران شد.

واژگان کلیدی: انسجام، ادبیات مقاومت، شاه اسماعیل صفوی، وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول).
sheikhloovand0000@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

۴- مربی جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

مقدمه

اهمیت آثار ادبی هر دوره به‌عنوان مبنایی برای برقراری ارتباط با آن دوره و شناخت دقیق زوایای مختلف هر عصر مهم می‌باشد. لذا با شناخت آثار ادبی می‌توان به بسیاری از مسائل اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی پی برد. این تحقیق شناخت و بیان جنبه‌های مختلف مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دوره شاه اسماعیل صفوی می‌باشد. یکی از رویکردهای تازه در حوزه تحقیقات ادبی بررسی جامعه‌شناختی آثار برجسته ادبی است، کاری که از یک‌سو مفاهیم جامعه‌شناختی را خصوصاً در ادبیات دوره صفوی که رویکرد اجتماعی آن بسیار برجسته است نمایان می‌سازد و از سوی دیگر نگاه و شناخت تازه‌ای از این آثار به دست می‌دهد.

متداول‌ترین شیوه یافتن روابط ادبیات و جامعه، مطالعه آثار ادبی به‌عنوان مدارکی اجتماعی و تصاویری فرضی از واقعیت اجتماعی است. در این نیز شکی نیست که نوعی تصویر اجتماع را می‌توان از ادبیات به دست آورد؛ درواقع، این یکی از قدیمی‌ترین استفاده‌هایی است که محققان صاحب اسلوب از ادبیات کرده‌اند. در نتیجه در این پژوهش سعی بر آن است که عمده‌ترین عوامل جامعه‌شناسی مرتبط در شکل‌گیری ادبیات عصر شاه اسماعیل صفوی آشکار شود، اهمیت این تحقیق شناخت و بیان جنبه‌های مختلف مسائل حیات و زندگی اجتماعی مردم ایران می‌باشد. پس در زمانی که صفویه دولتی عظیم و متحد در ایران تشکیل دادند این پژوهش از یک‌سو منجر به شناخت مسائل اجتماعی و مذهبی یا تحت شعاع آن‌ها بوده و از سوی دیگر ابزار کاربردی و علمی مناسب در اختیار کسانی که می‌خواهند موضوع را از دیدگاه «جامعه‌شناختی» ادبیات بیاموزند قرار می‌دهد. بنابراین، با توجه به نقش عوامل اقتصادی - سیاسی - مذهبی و فرهنگی هر دوره در آثار ادبی، این پژوهش در پی شناخت عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با ادبیات عصر شاه اسماعیل صفوی می‌باشد.

پژوهش‌های متعددی در زمینه پیشینه‌ی تحقیق باید یادآور شد که در مورد دوره‌ی صفوی مقالات زیادی منتشر شده است. همچنین کتاب‌هایی به نگارش درآمده است که مهم‌ترین آنان کتاب پیدایش دولت صفوی اثر میشل مزاولی و کتاب تشکیل دولت ملی اثر والتر هینتس می‌باشد؛ اما مطالب آن‌ها در رابطه با موضوع پژوهش، یا به فضای عمومی و کلی قرون قبل از تشکیل حکومت صفوی پرداخته‌اند و یا به‌صورت مشروح به مناسبات مذهبی - سیاسی شیوخ صفوی پرداخته‌اند (آژند، ۱۳۶۸).

در رساله دکتری اسماعیل حاکمی والا، ۱۳۸۹-۱۳۸۸ بر آن بوده است تا نشان دهد که بین جامعه عصر صفوی و شعر آن روزگار تعامل وجود دارد و برای نمایاندن آن نخست در فصل اول به معرفی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و ارتباط آن‌ها با ادبیات پرداخته و در فصل دوم از اوضاع سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و ادبی ایران در عصر صفوی به‌اختصار سخن گفته و در فصل بعد تأثیر اندیشه‌های اجتماعی و مطالبی که مربوط به جامعه عصر صفوی در اشعار نظیری نیشابوری، کلیم کاشانی و صائب تبریزی به‌عنوان شاخص‌ترین شعرای این دوره موردبررسی قرار گرفته است.

اما به دلیل برخی دشواری‌ها کمتر کسی به بررسی جامعه‌شناسانه‌ی شعر فارسی با استفاده از این روش روی آورده است. محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی و محمود عبادیان در کتاب تکوین غزل و نقش سعدی به برخی زمینه‌های اجتماعی در شعر فارسی پرداخته‌اند. رساله دکتری فرهاد طهماسبی نیز که با عنوان جامعه‌شناسی غزل فارسی از رودکی تا عطار، در سال ۱۳۸۰ ش، با تکیه به روش‌های جامعه‌شناسی ادبی در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران تدوین شده است، از دیگر مواردی است که می‌توان به‌عنوان پیشینه‌ی این تحقیق بدان اشاره کرد.

کلیم همدانی، دیوان، تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان (۱۳۶۹). این کتاب علاوه بر اینکه شامل تمامی دیوان کلیم از جمله؛ قصاید، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، مقطعات، تاریخ‌ها، مثنوی‌ها، غزلیات و رباعیات است، مشتمل بر مقدمه تعلیقات نسبتاً جامع و کاملی نیز در باب بسیاری از موارد مربوط به زندگی و شعر کلیم، خصایص شعری، اتفاقات مهم، نظر دیگران در باب کلیم، اخلاق و منش، وفات و مدفن و... است.

با توجه به مطالب مطرح‌شده هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر شاه اسماعیل صفوی است. در قالب هدف اساسی مذکور، اهداف فرعی زیر نیز دنبال می‌گردد: تعیین ابعاد فرهنگی در ادبیات عصر شاه اسماعیل صفوی، تعیین اهمیت اقتصادی در ادبیات عصر شاه اسماعیل صفوی و تعیین اهمیت جامعه‌شناختی ادبیات عصر شاه اسماعیل صفوی.

شعر فارسی و شعرا در دوره‌ی صفوی؛ شعر فارسی این دوره چه از لحاظ واژگان و چه از نظر سبک جذائیتی نداشت. به‌جز چند شعر معروف این دوره، دیگر اشعار آن ارزش درونی و ذاتی برخوردار نبودند. شاید یکی از دلایل این امر، دلیل موسوم به «دلیل کلاسیک» باشد؛ چراکه شعرای عصر صفوی هم به مانند پیشینیان تیموری خود آموزش ندیده بودند و هنر خود را تربیت نکرده بودند؛ اما آموزش و مهارت‌بینی هنری در دربار سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و دیگر دربارهای پیشین امری رایج و معمول بود. بسیاری از نویسندگان صفوی نه در فارسی و نه در عربی سراینده‌گان خوبی نبودند؛ و بنابراین ما با ادبیات کلاسیک و کهنی سروکار داریم که معیارهای والا و عمیقی را تحمیل می‌کند. مناسب به نظر می‌رسد که دانش و آگاهی عمیق از این دو زبان و الگوها و تکنیک‌های ادبی آن‌ها برای هرگونه تحلیل قاعده‌مند و اصیل سنت ادبیات کلاسیک ایران لازم و ضروری است (همان: ۱۵۸).

دربارهای گذشته از شعر حمایت و هواداری می‌کردند؛ و این مسئله هم در توسعه‌ی سنت عظیم ادبی و کهن فارسی و در پی آن افول زبان فارسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی دیگر از عوامل افول شعر دوران صفوی همانا ناتوانی دربار در حمایت از شعرا بود که باعث شد آن‌ها به مردم عادی روی آورند. یکی از تأثیرات سیاست مذهبی صفویان بر شعر رواج مرثیه‌سرایی به‌عنوان قالبی معمول و نیز

مدیحه‌گویی امامان به‌عنوان موضوع رایج شعری بود. درحالی‌که دربار به‌شدت از اصول، کلام و خاصه فقه و سنن شیعی حمایت می‌کردند، بنابراین این اصول در همه‌ی زمینه‌ها گشتند و واضح است که شعر نیز در این زمینه مستثنی نبود و تأثیرپذیری خود را داشت، بدین ترتیب مرثیه‌سرایان و مدیحه‌سرایان و مداحان خاندان علی (ع) مورد تشویق و تحسین قرار گرفتند و این مسئله به صعود و شکوفایی این زمینه شعری انجامید (جکسون، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

اگر شعر این دوره از نظر کیفیت نسبت به دوره‌های قابل قیاس گذشته برتری داشت، اما از نظر کیفیت دچار انحطاط شد و به دوره‌ی افول ادب فارسی شهرت یافت. این توصیف که معیارهای ایران امروزی و غرب است، موردتوافق منتقدین این دوره نیست.

اکثر تذکره‌های این دوره، دیباچه‌ای دارند در مورد موقعیت عالی شعر و شعرا. سام میرزا در تذکره، شعرای هم‌عصر خود را با خسرو دهلوی، سعدی و انوری هم‌پایه می‌داند و حتی منزلت آن‌ها را از فردوس و ثنایی بالاتر خوانده است. دیدگاه او نسبت به منزلت شعرا، به‌طور کلی آن است که «آن‌ها از جانب خدا انتخاب شده‌اند و پذیرنده‌ی انوار نامتناهی الهی‌اند». این واقعیت که مردان بلندمرتبه‌ای چون میرعلی شیر و سام میرزا در جمع‌آوری گلچین اشعار شعرای معاصر خود و نوشتن تذکره‌هایی در مورد آن‌ها بسیار دقیق بوده‌اند و اشتیاق شاهزادگان مغول و درباریان آن‌ها در جستجوی شعرا، خواندن اشعار آن‌ها و شرح‌نویسی بر آنان، گواهی است بر جایگاه والای شهر آن دوره در نظر آنان (جکسون، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

شعرا خود نیز با اشتیاق و اعتمادبه‌نفس بالا شعر می‌گفتند و جایگاه شعر دوران خویش را بسیار بلند و عالی می‌دانستند. آن‌ها شعر دوران خویش را، شعری بسیار پر نبوغ و مملو از صور خیال می‌پنداشتند.

سخنوران عهد صفوی بر روی هم زبانی ساده و دور از آرایش و پیرایش و سخنی نزدیک به لهجه عمومی و کلامی روان و احياناً سست با ترکیباتی که گاه از سادگی عامیانه و غلط است، داشته‌اند. در بیان افکار و خیالات خود بی‌نهایت به دقت و باریک‌اندیشی متوجه بودند. به سبب همین دقت معانی و رقت مضامین باید گفت که خلاف آنچه برخی از معاصران تصور می‌کنند شعر عهد صفوی از همه حیث در درجات انحطاط سیر نمی‌کرد بلکه از باب اشتغال بر افکار و مضامین تازه و قالب‌های جدید برای مطالب و معانی نو در میان ادوار مختلف ادبی اختصاص و امتیازی دارد.

غیر از مراثی و مدایح ائمه و معصومین، موضوع رایج دیگر در شعر عهد صفوی افکار غنائی و غزلی است که گاه با رنگ تصوف و افکار زاهدانه و درویشانه و گاه با وعظ و اندرز همراه است.

نثر فارسی در دوره‌ی صفوی؛ نثر فارسی در دوره‌ی صفوی علیرغم کاربرد گسترده و محبوبیت

آن در ایران، هند و ترکیه در ادبیات به جایگاه والایی دست نیافت. آثار منثور بسیاری با موضوعات مختلف در این دوره به رشته تحریر درآمدند؛ اما هیچ‌کدام از آن‌ها پرمایگی لازم را نداشتند زیرا نویسندگان به سبک یا نکات زبانی و صنایع لفظی اهمیت چندانی نمی‌دادند. روی‌هم‌رفته آثار منثور این

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر ...

دوره، انواع ادبی آن چیز زیادی برای گفتن نداشتند. تلاش نویسندگان برای ساده‌نویسی، به بهره‌گیری از عبارت عوامانه و مبتذل انجامید؛ و از طرف دیگر هم اگر به دنبال سبکی مصنوع و متکلف بودند، صنایع بی‌مزه و بی‌هوده‌ای را به کار می‌گرفتند. آثار چون عالم‌آرای عباسی هم که در حفاصل این دو رویه قرار داشتند، کم‌تعداد و کم‌ارزش بودند. روی هم‌رفته نثر صفوی بیش از نثر تیموری است و مصنوعی بود. آثار صفوی چنان، از عناوین بی‌محتوا، تعارفات و کلمات آهنگین سرشار بود که موضوع اصلی را از یاد می‌برد یا نادیده می‌گرفت. در مورد نویسندگان سبک هندی اوضاع از این هم بدتر بود. به دلیل تمایل آنان به فضل‌فروشی و کاربرد کلمات و عبارات فاضلانه، جزئیات و افراط بیش از موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفت: در بعضی از کتب و داستان‌های تاریخی، سبکی متوسط‌الحال به کار رفته بود؛ اما حتی در این کتب هم کاربرد زمان مستهجن زمانه گاهی اثر خود را بر جای نهاده بود.

نثر دوران صفوی چه در متون تاریخی، چه در متون رسمی درباری و چه در قصه‌پردازی در انواع گوناگون دچار یک بیماری مزمن شده است و این بیماری در وهله نخست ناشی از استبداد است و در وهله دوم که از موضوع نخست سرچشمه می‌گیرد، نثر دوره صفوی به‌وضوح نشانگر سقوط زیبایی ادبی، قدرت تلقین، استحکام و والایی در شیوه بیان و به‌ویژه در قصه عوام‌زدگی است. نگارش سست، سهل‌انگاری در به‌کارگیری واژگان، بی‌توجهی به ساختار زبان فارسی، تخلیط لغات ترکی و مغولی و عربی بیش از حد، درازگویی، سجع‌پردازی بسیار خنک، استفاده‌های مکرر از سایر ویژگی‌های نثر فنی بدون تسلط بر آن سبک، از ویژگی‌های نثر این دوره است. ظاهراً در این عصر نویسندگی، یک شغل مهم که عامل بدان دارای شرایط ویژه‌ای باید باشد، نه از سوی دربار جدی گرفته می‌شود و نه از ناحیه جامعه‌ی ادبی.

نتیجه چنین سهل‌انگاری‌ها و کم‌بها دادن به نگارش فارسی است که منشیان کم‌سواد دوره صفوی را پدید می‌آورد به‌رحال عوامل متعدد بی‌توجهی به نثر فارسی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، اکثر تحریرهای عهد صفوی را دچار سستی و فساد عبارت و نحوه بیان کرد (صفا، ۱۳۷۲، ج، ۳/۵: ۱۵۱۴).

اوضاع و شرایط اجتماعی: بر مبنای آموزه‌های بنیان‌گذاران جامعه‌شناختی ادبیات به‌ویژه لوسین گلدمن نقد علمی محصولات فکر نویسنده و آفرینشگر ادبی جزء از طریق قرار دادن متن مورد نظر در یک کلیت فراگیر تاریخی - اجتماعی امکان‌پذیر نیست بر این اساس برای تحلیل جامعه‌شناختی آثار عصر شاه اسماعیل صفوی ضروری به نظر می‌رسد که کندوکاو مختصر در تاریخ اجتماعی معاصر ایران صورت پذیرد چهارچوبی ملی که به‌عنوان یک مجموعه تاریخی - اجتماعی در واقع عرصه ظهور نویسنده و بلوغ آثار ادبی او پنداشته و جغرافیای تحقیق را دربر می‌گیرد.

اوضاع و احوال اجتماعی ایران عصر صفوی در نگاه و شعر کلیم؛ کلیم همدانی نیز از گروه شاعرانی است که از اوضاع و احوال جامعه و مردم ایران زمین در این روزگاران، غافل نمانده و به اشکال مختلفی این موضوعات را به خامه‌ی سخن، منقش کرده و به تصویر کشیده است.

استبداد، هرج و مرج؛ در تجلیل و ارزش‌گذاری بر کارنامه شاه اسماعیل، معمولاً از سیاست تمرکز او که منجر به وحدت کشور و رهایی آن از هرج و مرج است، سخن به میان می‌آورند. حکومتی که شاه اسماعیل پایه‌گذاری کرد، از ابعاد مختلف برای ملت ایران پراهمیت است. ارزش بزرگ و غیرقابل‌انکار این حکومت، تبدیل ایران به صورت یک کشور مستقل، در محدوده‌ای جغرافیایی و فرهنگی و مرزی مشخص و غیروابسته و جدا از امپراطوری پهناور اسلامی آن عهد است. استقلال و وحدت جغرافیایی با این مشخصه، از سلطه اعراب سابقه نداشت.

دیگر، امیرانش که هرکدام در گوشه‌ای از کشور «شاهنشاه» بودند از خلیفه‌ی فاسد و آژمند و عیاش بغداد «منشور امارت» و از خان‌های خون‌آشام و حیوان‌صفت مغول و تاتار «یرلیخ = فرمان» نمی‌گرفتند. شاه اسماعیل، سوار بر جریانی که حرکت تاریخ آن را آماده و آسان کرده بود و وحدتی که «گوهر ناپیدای ملی»، با احساس خطر از سوی دو قدرت سلطه‌طلب و مخرب از شرق و غرب - عثمانی و ازبک - سخت به آن نیازمند بود و به برکت شوق و شیفتگی مردم به ذریه رسول و فرزندان والاتباب و کرامت‌مند علی (ع) و به مدد خشم و نفرتی که ایرانیان از سلطه‌ی دیرپای ترکان و ظلم و تجاوز و کشتار و غارت پایان‌ناپذیر آن‌ها در دل داشتند، موفق شد این وحدت را به وجود آورد. یک محقق اروپائی می‌نویسد:

او ایران پر هرج و مرج را وحدت بخشید و ملیت ایرانیان را احیا کرد و بر وسعت دامنه‌ی اختلافاتی که میان ایران و دیگر کشورهای اسلامی وجود داشت، به مراتب افزود...

«بازتاب جهانی این قدرت نوپا چنان بود که جهت‌گیری‌های بسیاری از دول را در مواضع سیاسی‌شان مورد تجدیدنظر قرار داد» (شوستروالسر، ۱۳۶۴: ۷).

کلیم اوضاع و احوال ایران و شرایط خاص آن را که در اثر سیاست‌های متناقض صفویان، دچار فراز و نشیب بسیاری شده بود، به خوبی درک می‌نماید. او در این روزگار پر از جنگ و ستیز که یا خود شاهد ریختن خون‌های فراوان بوده یا از زبان دیگران به کرات شنیده است، در تصویری فراوانی خون‌های ریخته شده را تا بدان حد می‌داند که مردان از آن، چهره خضاب می‌کنند:

مرد در کشور ما گونه به خون رنگ کند کین خضابی است کز آن پیر جوان می‌گردد

دیوان کلیم (ص ۴۴۳، غ ۳۹۳، ب ۳).

او معتقد است در روزگاری که بی‌رحمی، صفت گسترده و شایع زمانه بوده، تنها موجود دارای رحم و مروت، اجل است که آدمیان را از مصائب و آلام زندگی راحت می‌کند:

رحم در عالم اگر هست اجل دارد و بس کائن همه طایر روح از قفس آزاد کند

دیوان کلیم (ص ۳۳۵، غ ۲۰۰، ب ۲).

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر ...

حسرت به حال امروز باعث می‌شود که کلیم گذشته را به‌خاطر آورد و از روزگاری یاد کند که نشانی از ستم و ظلم در آن وجود نداشت و مرگ و دردهای متعدد و دشمنی‌های فراوان و سخت‌دلی‌های بی‌شمار شایع نشده بود:

پیش از این دوران ستم‌پرور نبود آسمان ز این‌گونه بد اختر نبود
عمر چون ایام بیماری مرگ هیچ امروزش زدی بدتر نبود
آنقدر پیکان که در یک زخم داشت در دکان هیچ پیکان گر نبود

دیوان کلیم (ص ۴۱۵، ۳۴۴، آب ۳-۱).

امنیت اجتماعی و اقتصادی در تحفه سامی؛ آنچه مسلم است سلسله صفوی برای اشاعه مذهب شیعه و تشویق علمای دینی داخل و خارج از کشور برای زندگی در ایران و تبلیغ مذهب تشیع، بذل و بخشش فراوان می‌کردند و هزینه‌های گزافی می‌پرداختند و برای این مهم با مخالفانشان مقابله می‌کردند و به دنبال پیروزی در این نبردها، به غنائم و اموال زیادی می‌رسیدند که این مسئله موجب افزایش قدرت و مکتنتشان می‌شد. تشکیل حکومت صفویه و برخاسته از اعتقادات مذهبی مردم، منجر به ایجاد وحدت و یکپارچگی سیاسی در کشور گردید و همین یکدستی و مقابله و مقاومت صفویان در برابر غارتگران و بیگانگان، فضایی امن و آرام را در کشور ایجاد کرد. ثبات قدرت دویست و پنجاه ساله صفوی و پیشگیری نسبی آن دولت از ایلغارها و قتل‌ها و غارت‌های پیاپی قوم‌های نیم وحشی که به ایران می‌تاختند، مایه گسترش آبادی‌ها و فزونی جمعیت و روایی صنعت و بازرگانی شد (صفا، ۱۳۸۴: ۴/۴۹).

ویژگی‌های عمومی سیاسی عصر صفوی؛ جامعه‌ی صفوی از منظر ساختار اجتماعی، سیستمی سلسله‌مراتبی داشت و به‌قول سیوری: «هرمی شکل بود و در رأس هرم شاه قرار داشت»؛ و پایین‌ترین رده‌ی آن را توده‌های فقیر شهری و روستاییان بی‌زمین تشکیل می‌دادند. حدفاصل رأس و قاعده‌ی هرم را از بالا به پایین، روحانیون بزرگ، سران قزلباشان، دیوانسالاران، صاحبان تیول، تجار و کسبه، اعضای رده پایین ایلات و خرده‌مالکان روستایی و روستاییان بی‌زمین تشکیل می‌دادند. این رتبه‌بندی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی هم می‌تواند صحیح باشد.

بحران‌های اجتماعی؛ زمانی که در کل جامعه، اختلالاتی پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند، سخن از بحران اجتماعی پیش می‌آید. زمانی که بحران اجتماعی فقط جزئی از جامعه را فرامی‌گیرد و یا با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط است اما ممکن است بحران اجتماعی عمومی شود که بر مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی یک جامعه جدید و مترقی، اثر گذارد. در این صورت چنان

نابسامانی عمومی و عدم تعادلی فراگیر در جامعه بروز می‌کند، که گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی (انقلاب) را قابل پیش‌بینی می‌سازند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۳۴۹).

شاه اسماعیل مولود عصری می‌باشد که جامعه مانده در بحران اجتماعی می‌باشد. او از سوی بحران داخلی کشور را به قلم می‌کشد از سوی دیگر بحران جهانی را، در پشت لفافه عقیدتی ازبک‌ها، اهداف مادی، اقتصادی و... نیات چپاولگرانه پنهان شده بود. جنگ شیعه و سنی را آنان در واقع با این مقاصد رهبری می‌کردند. خراسان و قلمروهای آن از این نظر برای ازبک اهمیت فراوانی داشت: خطه حاصلخیز خراسان با کشاورزی غنی و شهرهای مهم صنعتی و بازرگانی از دیرباز مورد توجه ازبکان بود و هر بار که این قوم متجاوز به خاک خراسان قدم می‌گذاشتند، با چپاول شهرها و دهات غنیمتی کلان تحصیل می‌کردند (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۳۹۲).

اوضاع و شرایط اقتصادی؛ اقتصاد در عهد شاه اسماعیل با استقرار حکومت در سلسله صفویه، همراه دگرگونی‌های متعدد، در مسئله زمین‌داری نیز تحولات عمده‌ای به وجود آمد و مفهوم جدیدی یافت. دکتر لمبتون ماهیت این دگرگونی را چنین شرح می‌دهد:

در طی قرون اولیه اسلامی آئین قدیم زمین‌داری در قالب راه و رسم اسلامی ریخته شد، سپس در زمان سلجوقیان، بر اثر عرف و عادت که در میان بیابانگردان سلجوقی معمول بود، تغییر یافت و سرانجام حکومت مطلقه شیعه جانی تازه در کالبد آن دمید (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۱۲).

وی تصریح می‌کند که بر طبق نظریه‌ای که خواجه نظام‌الملک واضع آن بود و در نظام حکومتی سلجوقیان جاری بود «سلطان مالک مطلق همه زمین‌هاست». این نظر در زمان صفویه با قاطعیت بیشتری مورد توجه قرار گرفت (همان: ۲۱۴-۲۱۳).

پادشاهان صفوی پس از استقرار بر اریکه قدرت، برای جمع‌آوری سپاه و پرداخت هزینه‌های نظامی و مزد افراد لشکری، چاره‌ای جز روی آوردن به بزرگترین پایگاه اقتصادی یعنی اراضی وسیع نداشتند؛ بنابراین در بادی امر موجب سران سپاه به محل عواید مالیات‌های ارضی احاله شد. پس از آن زمین‌هایی که برات‌های مالیاتی بر آن‌ها نوشته شده بود، به تیول واگذار گردید.

یکی دیگر از مهم‌ترین منابع تحصیل عواید، واگذاری حکومت‌های ولایات بود، این حکومت‌ها از طرف شاه به افراد محول می‌گردید. حاکم در قبال آن موظف بود به تعداد لازم سرباز آماده نماید. عواید مالیاتی حوزه حکومتی تماماً وسیله حاکم و عواملی که او آنان را اداره می‌کرد مصرف می‌شد و تنها بخش کوچکی تحت عناوین هدایا و رسوم و حقوق برای شاه فرستاده می‌شد (پناهی، ۱۳۷۶: ۵۲).

اوضاع و شرایط سیاسی؛ نوشتار جنبه دو پهلوئی یک موضوع را می‌یابیم که هم زبان است هم اجبار. به کارگیری زبان پیش از هر زمان دیگر در تاریخ با خون‌های ریخته شده ارتباط داشت. از نظر بارت

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر . . .

هیچ تردیدی نیست که هر رژیم سیاسی نوشتار خاص خود را دارد نوشتار صورت خاص گفتار است که با ابهام حساب شده واقعیت موجودی و پدیداری قدرت و آنچه هست و آنچه باید باشد را دربر می‌گیرد؛ بنابراین تاریخ اسلوب نوشتار سیاسی از جمله بهترین پدیدارشناسی‌های اجتماعی خواهد بود. بارت مطرح می‌کند که نوشتارهای روشنفکرانه ناپایدارند در صورتی که نوشتار ادبی می‌مانند که به دور از قدرت باشند (بارت، ۱۳۷۸).

برخی معتقدند، تشیع که پیشتر نیز یک‌بار در عهد آل بویه به وسیله ایرانیان پایه‌گذاری شده بود، بار دیگر حیات نو یافت و ایران را از نظر جغرافیایی به صورت ملیت واحد با دین رسمی واحد پس از ساسانیان هویت بخشید و ایرانیان با پیروی از ائمه اطهار تنها کشور شیعه را بنیان نهادند که تاکنون پاینده و سرفرازانه به پیش می‌رود. (میرباقری و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۰). از نظر تاریخ ایران معاصر، دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیاتی است: نخست ایجاد ملتی واحد با مسئولیتی واحد در برابر مهاجمان و دشمنان و نیز در مقابل گردنکشان و عاصیان بر حکومت مرکزی؛ دوم ایجاد ملتی دارای مذهبی خاص که بدان شناخته شده و به خاطر دفاع از همان مذهب، دشواری‌های بزرگ را در برابر هجوم‌های دو دولت نیرومند شرقی و غربی تحمل نموده است. در این مورد، مذهب رسمی شیعه دوازده‌امامی، همان کاری را انجام داد که اکنون ایدئولوژی‌های سیاسی در تشکیل حکومت‌ها می‌کنند (قزوینی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

ختایی در برخی از اشعارش از توان حکمرانی و فرمانروایی خود می‌گوید، گاهی غازیان خود را به خاطر پیرویشان می‌ستاید و تشویق می‌کند، در برخی اشعارش زمینه و ذهنیت شیعی‌گری قزلباش‌ها را می‌ستاید و در برخی نیز از دیدگاه‌های عرفانی و گاهاً حروفی سخن می‌راند. به تناسب موقعیت ذهنی و سیاسی و فرقه‌ای، همواره در قوافی و ردیف‌ها از افعال امری به کرات استفاده می‌شود. لحن خیلی از اشعار را اگر آمرانه ندانیم، نصیحت‌گراست:

اولولوق ایستر ایکن قوللوق ائیله آیاق بئر بئر باسیرلار نردبانه
جاهانی آچدی سولطان حئیدر اوغلو ایریشدی غازی لر کون و مکانه

(اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸).

ترجمه: خواهان بزرگی هستی نوگری کن / پای بر نردبان یکی یکی گذارند.

پسر سلطان حیدر جهان را گرفت / غازیان بر کون و مکان مسلط شدند

در این دو بیت بسیاری از موارد گفته شده را شاهد هستیم و حتی صناعات ادبی را هم. برخی

دل‌مشغولی‌های فرقه‌ای، سیاسی و مذهبی قهرمان ما از جریان زندگی عادی و زمینی به دور نیست.

از بررسی اجمالی فوق می‌توان نتیجه گرفت که چند جنبه از ویژگی‌های سیاسی صفویان به لحاظ

فکری در جامعه‌ی آنان تأثیرگذار بود و این اندیشه‌ها در تاریخ‌نگاری صفویان انعکاس یافت. اهم این

ویژگی‌ها عبارت بودند از:

تشکیل دولتی نیرومند تا حدودی متمرکز و در چارچوب مرزهای تاریخی که منجر به رشد مفهوم آگاهی ملی در آثار مورخان گردید.

تقویت نظام سیاسی سنتی ایرانیان، حکومت پادشاهی سلسله‌ای منجر به طرح نظرات مشروعیت‌بخش کهن ایرانی در رابطه با حکومت صفویان شد که اندیشه‌ی «فره‌ی ایزدی» محور اصلی این تفکر بود.

روابط خارجی با کشورهای اروپایی؛ روابط خارجی ایران با اروپائیان، با فزونی قدرت و افزایش مداخلات و دست‌اندازی‌های دولت عثمانی در اروپا شتاب بیشتری گرفت. دول اروپایی، در وحشت از فتوحات دولت عثمانی، با تیمور و جانشینان او و نیز دولت‌های قره قویونلو و آق قویونلو روابط دوستانه آغاز کردند.

گرچه هدف عمده اروپائیان از نزدیک شدن با ایران، یافتن متحدی، در پشت قدرت عثمانی بود، اما آنان علاوه بر این استراتژی نظامی، دو هدف اقتصادی و مذهبی هم داشتند که عبارت بودند از: ایجاد روابط بازرگانی و بهره‌وری از سودهای تجارتهی و نشر تعالیم مسیحیت و حمایت از پیروان این مذهب در قلمرو کشورهای مسلمان (صفا، ۱۳۷۰: ۴۸).

دولت‌های قره قویونلو و آق قویونلو به علت هم‌جواری با دولت عثمانی و بیشتر هدف روابط سیاسی دول اروپایی قرار داشتند.

دنباله این رفت‌وآمدها در سیاست خارجی ایران، طبعاً به عهد صفوی کشیده شد. نهضت جسورانه صفوی‌ها و شمشیر برنده سربازان قزلباش به‌طور طبیعی روزنه امید دیگری برای اروپائیان در مقابل غول عثمانی بود. در عهد شاه اسماعیل اول، سیاست خارجی ایران چندان فعال نبود و علت اصلی آن نیز درگیری‌ها و سرگرمی‌های شاه اسماعیل با مسئله استقرار قدرت در داخل ایران بود و لذا دولت نوپای صفوی نمی‌توانست تنور دو سیاست خارجی و داخلی را با هم گرم نگاه دارد. با این حال، تشکیل دولت صفوی، آغازی بود برای یک رشته تحركات پرمآجرای سیاسی که آثار آن‌ها در شئون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور ما در قرون بعد به صور مختلف بروز کرد (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۴۹).

تأثیر استقرار سیاست مذهبی شاه اسماعیل که به‌موجب آن مذهب شیعه اثنی عشری راه مذهب رسمی ایران قرار داد، تنها مبنای تغییرات بسیار مهم در اوضاع داخلی ایران نشد، بلکه آثار آن در خارج از مرزهای سیاسی کشور نیز فوق‌العاده چشمگیر بود: از نظر سیاست، تفاوت مذهب، ایران را از سایر ملل همسایه مسلمان جدا و در زمانی تنها گذاشت که دولت عثمانی، به منتها درجه نیرومندی رسیده و با فتوحات پی‌درپی در اروپا، عالم مسیحیت را به تشویش و ترس انداخته بود و از جانب مشرق، در آسیا دندان طمع به فتوحات زیادتری تیز کرده بود (بیانی، ۱۳۴۹: ۲۳۶).

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر . . .

اوضاع و شرایط فرهنگی؛ دولت صفوی، طی دو بیست و سی سال، تنها جهانگیری نکرد - که خیلی زود، به اجبار دشمنانش در شرق و غرب، از رویه جهانگیری، دست برداشت - در عوض کوشید تا با جهانداری نیرومند و جهت‌دار خود، تمدن ویژه خود را بسازد چراکه وقتی دولت صفوی قوام گرفت و آنگاه که تثبیت شد، تحول عمیقی را در ایران آغاز کرد و گرچه این تحول با ابزارهای سنتی صورت می‌گرفت، اما سبب شکوفایی همه‌جانبه در ایران شد. آبادی ایران از لحاظ اقتصادی در دوره صفوی بسیار قابل توجه است؛ هم‌چنان که به لحاظ فرهنگی و ساخت و باز ساخت آثار تاریخی، از هر حیث یادآور دوره صفویه پرشکوه و پر ثروت در ایران است (جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵).

مدارس بی‌شمار، موقوفات فراوان، امکانات علمی گسترده، حفظ میراث مکتوب گذشته، به‌ویژه میراث مکتوب شیعه، کتابت صدها هزار نسخه خطی در حوزه قدرت صفویان که بسیاری از آن‌ها تا به امروز برجای مانده؛ ایجاد مساجد بزرگ و بسیاری از امور دیگر، نشان می‌دهد که ایران دوره صفوی، دوره‌ای درخشان در تاریخ ایران اسلامی بوده است. سفرنامه‌های بیگانگان، در ایران آن روز، شاهدهی بر پیشرفت‌های علمی و اجتماعی در ایران است. تأثیر این دوره در تاریخ پس از خود، چندان استوار است که می‌توان مانند والتر هینتس ادعا کرد که ایران امروز، همان ایران صفوی است. وقتی به وصف شاردن از اصفهان زمان صفوی می‌نگریم، هنوز می‌توانیم آن را دقیقاً با اصفهان فعلی تطبیق دهیم. به تعبیر یکی از محققان تاریخ دوره صفوی: تا زمان حاضر، ایران از بناهای تاریخی و یادگارهای هنری عصر صفوی مملو است و خصوصیات اخلاقی مردم، آثاری از انگیزه‌هایی دارد که به‌وسیله شاه اسماعیل و جانشینانش القاء شده است (رحیم‌لو، ۱۳۶۷: ۱۷۵).

پس‌افتادگی فرهنگی؛ زمانی که اوضاع یک جامعه متشنج شود و مصیبت و رنج و سختی‌های متعدد از یک سو گسترش یابد و از سوی دیگر، پادشاهان و حاکمانی که زمام امور مردم و مملکت را در دستان خود دارند، دین را محل اتکای خود در حکمرانی قرار دهند، اما ظاهر و باطن برخی از آن‌ها در امور دینی و شرعی یکسان نباشد و در ظاهر خود را مقید به دین و دستورات و تعالیم شریعت دانسته ولی در باطن و خفا به هر فسق و فجور و عمل ضد دینی مبادرت ورزند، چنین رفتار و عملی، باعث می‌شود که سایر قشرها چه در سطح رجال درباری و چه در سطح عامه‌ی جامعه نیز به این صفت رذل‌آلوده شده و ریاکاری و دورویی در دیندار جلوه کردن و متشرع‌نمایی از صفات رایج این روزگار گردد و اوضاع و احوال اجتماعی و مردم جامعه را تحت تأثیر قرار دهد که این موضوع مورد اعتراض بسیاری از شاعران این دوره از جمله کلیم قرار گرفته است. لازم به ذکر است در اشعار کلیم می‌توان رواج ریاکاری در این دوره را به دو گونه تقسیم نمود: ریاکاری دینی و ریاکاری عام.

ریاکاری دینی؛ شاهان صفوی، خواندیم آنان برای اینکه در ظاهر خود را افرادی متدین و پای‌بند و معتقد به تعالیم دین و قوانین شرعی معرفی نمایند، فرمان‌هایی در باب منع شراب‌خواری و بستن در می‌کده‌ها صادر می‌کردند، ولی شخصاً از قوانینی که خود وضع می‌نمودند، پیروی نکرده و همچنان به

شراب‌خواری و باده‌نوشی ادامه می‌دادند. وجود اختلاف در آشکار و پنهان رفتار و کردار آنان، عامل و سبب اشاعه‌ی فرهنگ رذل‌ریاکاری در جامعه و مورد اعتراض فراوان صاحبان خرد و اندیشه قرار گرفته بود تا با تازیه‌های اشعار و شلاق سروده‌های خود، بر سر و روی ریاکاران دینی بتازند و آنان را سرزنش کنند. کلیم نیز از جمله شاعرانی است که ریاکاری زاهدانمایان در مذاقش خوشایند نموده و اعمال و رفتار آنان را به نقد گذاشته و گاه به تمسخر از این جماعت یاد می‌کند.

باری، کلیم از بستن در می‌کده‌ها چنین سخن می‌گوید:

زینت می‌کده افزود درش تا بستند گل بماند چو کسی کم به گلستان آید
زاهدان ریاکار، هم‌چنین در مکتب تعلیم و آموختن، شاگردان کودنی هستند که نه‌تنها از عمل، بلکه از علم نیز خالی هستند:

زاهد ز بس به مکتب تعلیم کودن است استاد خواهد از همه کسب هوا کند
(ص ۴۳۸، غ ۳۸۴، ب ۳).

اشاره‌ای است به بیت مشهور حافظ:

واعظان کین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
حافظ: (۱۳۶۲، ۱۹۴۶، ب ۱).

ریاکاری عام؛ منظور از این نوع ریاکاری، دورویی و نفاقی است که به هر قصد و نیتی صورت پذیرد، همانند این بیت که کلیم ادعا کرده در این دوره، صادقانه و خالصانه نمی‌توان در دل کسی جا نمود، بلکه باید منافقانه در این راه قدم برداشت:

پسند خاطر یک تن نیم چه چاره کنم که بی نفاق به یک دل نمی‌توان جا کرد
(ص ۴۳۳، غ ۲۲۹، ب ۲).

کلیم ضمن گلایه از اوضاع موجود، در جای دیگری در همه‌جا مورد قبول واقع شدن را نتیجه‌ی نفاق و ریاکاری دانسته و می‌گوید:

کسی که موم صفت چرب و نرم شد ز نفاق به مجلس غم و شادی چو شمع محرم شد
دیوان کلیم (ص ۲۵۳، ۲۲۹، ب ۲).

خرده‌فرهنگ؛ خرده‌فرهنگ متعلق به بخشی از جامعه است که در الگوی متمایزی از عرف، آداب و رسوم و ارزش‌ها شریک هستند و با الگوی جامعه بزرگتر فرق می‌کند. در زیر به برخی از این خرده‌فرهنگ‌ها در دوره صفوی اشاره می‌شود:

زورخانه‌ها و تقویت آیین و فتوت و جوانمردی در دوره‌ی شاه اسماعیل؛ در زورخانه‌های عصر صفوی که غالباً برای پرورش قوای جسمانی و گسترش اخلاق جوانمردی و پرورش تن بود، اشعار شاهنامه خوانده می‌شد. در سایه توجه شاهان به زورخانه‌ها و تقویت قوای جسمی و روحی،

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر ...

روحیه‌ی فتوت و جوانمردی تقویت می‌گردد. در شورایی که برای مشورت قبل از جنگ چالدران شکل گرفته بود، خان محمد استاجلو پیشنهاد می‌کند که از روش جنگ و گریز برای مقابله با دشمن استفاده شود، ولی شاه اسماعیل نمی‌پسندد و می‌گوید: «ما که راهزن و حرامی نیستیم تا در سر کوچ بر خصم خود بتازیم و فتح و ظفر خود را در بطون تواریخ به خدعه و نیرنگ آلوده سازیم» (صفوی، ۱۳۸۴: ۳۵۲). در عالم‌آرای صفوی آمده: «وقتی نجم ثانی سردار قصد کرد که به ترکستان برود، گفت: ای شهریار چرا باید خراسان را به جماعت سنی دهیم؟ شاه فرمود: اگر به بابرشاه دهی، یادگاری در این عرصه‌ی روزگار خواهی گذاشت... مرا نام باید که گردد بلند» (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳۵۹).

شربت‌خانه‌ها در دوره‌ی شاه اسماعیل؛ شربت‌خانه‌ها قبل از به وجود آمدن قهوه‌خانه‌ها بازار داغی داشتند و در کنار زورخانه‌ها مکانی برای حفظ میراث و فرهنگ غنی گذشته‌ای ایران به شمار می‌رفتند. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شربت‌خانه‌ها را می‌توان علاقه‌ی ایرانیان به شاهنامه‌ی فردوسی دانست؛ چراکه با ترویج شاهنامه‌خوانی توسط شاه اسماعیل، شنیدن داستان‌ها و اشعار شاهنامه، تفریح عمومی مردمان ایران شد. در تمام شهرها و روستای ایران مردم در اوقات فراغت گرد هم می‌آمدند و داستان‌های شاهنامه را می‌شنیدند. یا اگر یکی از آن‌ها صدایی خوش داشت، اشعار شاهنامه را می‌خواند. شرح داستان‌های شاهنامه توسط نقالان شربت‌خانه‌ها انجام می‌گرفت (داون، ۱۳۷۰: ۲۲۵-۲۲۴).

شاهنامه‌سرایی در عصر شاه اسماعیل؛ شاهنامه‌خوان‌ها وارثان سنتی بودند. این هنرمندان مردمی ابتدا در قرون شاهنامه‌ستیزی در کوی و بازار و بزم‌های شادمانی و در قرون بعد در دربارها پیوند دل‌ها را با شاهنامه استوارتر می‌کردند (ریاحی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

مورخان عصر صفوی ضمن برشمردن طبقات مردم از گروهی به نام شاهنامه‌خوان یاد می‌کنند که کارشان خواندن شاهنامه‌ی فردوسی در شربت‌خانه‌ها و در سایر مجالس بوده است (منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۲۹۵). شاه اسماعیل اول، خود از علاقه‌مندان خاص شاهنامه و شاهنامه‌خوانان بود. بابای اصفهانی از شاهنامه‌خوانان عصر اوست که با آواز بلند شاهنامه‌خوانی می‌کرد (گودرزی، ۱۳۹۰: ۷۳).

گسترده‌ی شاهنامه‌خوانی در دوره‌ی صفویه، به‌ویژه در زمان شاه اسماعیل، گنجنامه‌ی ترویج زبان فارسی به حساب می‌آمده است (همان: ۷۳).

در دوره‌ی صفویه، باوجود رواج زبان ترکی، همچنان شاهنامه‌خوانی بیش از هر زمان دیگری رونق داشت. در این دوره از شاهنامه‌خوانی در میدان‌های نبرد به‌منظور تحریک دل‌آوری سپاه استفاده می‌شد. ازجمله در جنگ چالدران، خان محمد استاجلو، فرمانده قزلباشان که صدایی رسا و قوی داشت، یکی از بهترین شاهنامه‌خوانان سپاه ایران بود (لسان، ۱۳۵۴: ۱۲-۱۱).

نقالی و پرده‌خوانی در دوره‌ی شاه اسماعیل؛ نقالی در معنای ویژه و اصطلاحی، بر خواندن داستان‌های ملی - پهلوانی ایران (غالباً در محدوده‌ی زمانی آغاز کار کیومرث تا پایان شهریار ی بهمن) اطلاق می‌شود و نقال کسی است که این روایت را از حافظه یا منبعی مکتوب (طومار) و به نثر برای

شنوندگان نقل می‌کند (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۳۶). دلیل بسیار مهمی که استنتاج کلی - اما امروز بدون سند - اغلب پژوهشگران را تأیید می‌کند، دست‌نویس یک طومار نقالی در کتابخانه شادروان استاد مینوی است که تاریخ کتابت آن ۱۱۳۵ و برابر با آخرین سال فرمانروایی شاه سلطان حسین صفوی است. استنتاج این طومار در روزگار صفوی، مهم‌ترین گواه بر رواج نقالی در این دوران است (همان: ۳۹).

پرده‌خوانی عبارت است از نقل داستان‌ها و روایت‌های حماسی، تاریخی و البته عموماً دینی - مذهبی بر مبنای پرده‌ای که برخی قهرمانان و شخصیت‌های داستان مورد نقل بر آن پرده نقاشی شده باشند (آزند، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

همین نقالی‌ها و پرده‌خوانی‌ها سبب آشنایی هرچه بیشتر مردم با شاهنامه و عاملی جهت تقویت روح میهن‌دوستی و وطن‌پرستی بود. در این دوره شاهنامه وارد زندگی مردم می‌شود و تعالیم آن در زندگی مردم نمود پیدا می‌کند.

داستان و قصه‌خوانی در دوره‌ی شاه اسماعیل؛ کسان زیادی در عصر صفویه عنوان قصه‌خوان داشتند و شغل آنان نقل قصص در دربار شاهان و شاهزادگان و یا حتی میان عامه‌ی مردم بود (جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۱۷۷-۱۱۷۶).

از طبقه‌ی شاهنامه‌خوانان و قصه‌خوانان دوره‌ی صفوی می‌توان از این افراد نام برد: مولانا حیدر قصه‌خوان: بی‌بدل زمان، در آن عصر نظیر و عدیل نداشت. مولانا محمد خورشید اصفهانی نیز قصه‌خوان خوبی بود اما ارباب تمیز مولانا حیدر را رجحان می‌دادند. مولانا فتحی شاهنامه‌خوان بی‌مثل بود (منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۹۱).

سبک جدیدی از قصه‌خوانی که در دوره‌ی صفویه رواج یافت، تاریخ‌های قصه‌ای بود که درباره‌ی شاه اسماعیل و شاه تهماسب نگاشته شد. این کتاب‌ها به سبک داستانی و حماسی و با ابیاتی مسجع، به شرح فتوحات و جنگ‌ها و اخبار تاریخی شاهان صفوی می‌پرداختند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۸۶۰).

متفکران شیعی و علمای عصر صفوی و ارتباط با مردم؛ در آغاز عهد صفوی، از عصر شاه اسماعیل اول، به علت نیاز به آگاهی از اصول و قوانین تشیع، دربار صفوی در ایجاد مراکز مذهبی، توسعه کتب و نوشته‌های مربوط و ورود و پرورش متفکران مذهبی سعی فراوان مبذول داشت. به دنبال این هدف، فقهای شیعی مذهب به دعوت دربار صفوی از جبل عامل و بحرین به ایران وارد شدند و دستور ترجمه کتب مذهبی به فارسی - که اغلب به عربی نوشته شده بودند - داده شد. عرب بودن بسیاری از فقها و عدم آشنایی آنان به زبان فارسی مشکلاتی از قبیل عدم امکان ترجمه کتب عربی و همچنین سخنرانی در جلسات وعظ را به وجود آورد و در پی آن سعی به یادگیری زبان فارسی توسط علمای غیر ایرانی شد (تنکابنی، ۱۳۹۰: ۶۲).

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر . . .

فرهنگ و تعلیم و تربیت؛ تعلیم و تربیت از لحاظ تاریخ، با پیدایش خود بشر و زندگی او در دوره‌های اولیه یکسان بوده است؛ یعنی از زمانی که انسان در روی زمین ظاهر شده و زاد و ولد نموده است تعلیم و تربیت نیز آغاز شده است.

تعلیم و تربیت در اردبیل هم همانند دوره‌های اولیه تاریخ پیدایش جامعه بشری بوده است به طوری که پس از تأسیس و پیدایش شهر اردبیل تعلیم و تربیت مردم به دو صورت انجام پذیرفته یکی تعلیم و تربیت توسط پدر و مادر بوده که اندوخته‌های خود را به فرزندان منتقل می‌ساختند و شکل دوم آن به صورت مکتب و مدرسه بوده است که تعلیم و تربیت در آن به صورت مستقیم و تحت تأثیر علما و روحانیون تعلیم و تربیت صورت می‌گرفته است.

تعلیم و تربیت در زمان صفویه در اردبیل هم به دو شکل گفته شده بوده است به طوری که شیخ صفی‌الدین اردبیلی خانقاهی در اردبیل داشته و در آن او علاوه بر تعلیم فقه و علوم دینی برای شاگردان خود قرآن تفسیر می‌نموده است و همچنین در آن خانقاه ادب فارسی هم تعلیم داده می‌شده است به طوری که این تعلیم پس از شیخ صفی هم «در بین فرزندان انجام پذیرفته به گونه‌ای که فرزندش شیخ صدرالدین موسی نیز مثل پدرش بوده و حوزه درسی وسیعی در مدرسه‌ای که کنار آرامگاه شیخ صفی ساخته بوده داشته و به تعلیم و تربیت مردم اردبیل در آن زمان می‌پرداخته است» (باباصفری، ۱۳۷۰: ۶۶).

همچنین بسیاری از مورخان از جمله مؤلف کتاب عالم‌آرای عباسی و دایره‌المعارف جغرافیایی جهان «بریتانیکا» در آن زمان از یک مدرسه بسیار عالی در اردبیل و یک کتابخانه پر از کتاب‌های خطی در آنجا سخن به میان آورده‌اند (بابا صفری، ۱۳۷۰: ۵۲).

مدارس دوره صفویه و مراکز تعلیم و تربیت؛ به علت رواج شیعه و تربیت حافظه دین‌یابوری، در اوایل قرن دهم با توجه به دوره‌های گذشته مسجد و مدرسه و خانقاه که تعداد این مکان‌ها زیاد بود، احداث یا مرمت شد، خواه آن‌هایی که به دست سلاطین و خاندانشان بنا شده بود یا آن‌هایی که توسط امرا احداث گردیده بود و این ابنیه‌ها از جمله آثار خیر و موقوف بر تعلیم علوم شرعی دارای کلاس، مسجد و محل سکونت برای طلاب علوم دینی و خدمتگزاران آن‌ها بوده است و موضوع درس‌ها علوم شرعیه و ادبیات عرب در باب مقدمه کار و بر مبنای کتب درسی قرن هفتم و هشتم شامل تلخیص‌ها و یا شروح و حواشی آن‌ها بوده است که خالی از هرگونه تفکر و ابداع و یا تحقیقات تازه است و تکرار و تغییر و تقلید از گذشتگان و منازعات و مشاجرات لفظی و غیره می‌باشد و مجالس مناظره و مباحثه با روش فوق بوده است در امتحان‌ها، آزمایش‌هایی که از علما یا متعلمین می‌شد. به شیوه اکتفا نمودن به سطوح و متون بود و آخرین مرتبه‌ای که از معلم خواسته می‌شد اجتهاد در یک قول با یک متن بوده است (صفا، ۱۳۶۹، ۸۵ ج ۴).

جایگاه علوم، هنرمندان، نقاشان؛ حمایت شاه اسماعیل از نقاشان در میان گرایش‌های هنری شاه اسماعیل، توجه خاص او به نقاشان قابل تأکید است. از فرمانی که در سال ۹۲۸ هجری برای هنرمند نام‌آور و هنرمندترین نام‌آور آن عصر خود، یعنی استاد کمال‌الدین بهزاد صادر کرده و به‌موجب آن «منصب استیفا و کلانتر مردم کتابخانه‌ی همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول‌کشان و حل‌کاران و زرکوبان و لاجوردشویان و سایر جماعتی که به امور مذکوره منسوب باشند، در ممالک محروسه» به وی مفوض داشته، چنین برمی‌آید که این گروه از هنرمندان موردعلاقه و احترام او بوده‌اند.

کمال‌الدین بهزاد، به اعتبار نوآوری و ابداع شیوه و سبک تازه در نقاشی ایران و اینکه خلاقیت‌ها و ابتکارهای او، تحرک تازه‌ای در هنر نقاشی به وجود آورده بود و مکتب پرآوازه هرات، به نام نامی و وجود گرامی او بر خود می‌بالید، مورداحترام و محبت همه طرف‌های درگیر در جنگ‌های قدرت بود.

نه تنها جانشینان تیمور، یعنی شاه‌رخ، الغ بیگ و بایسنقر - که خود هردوست و این دو تن آخر، هنرمند و باذوق بودند - بل ازبک‌ها هم مقدم او را گرامی می‌داشتند و پاس خاطرش را داشتند. شیبک خان، به استاد بهزار لقب «مانی ثانی» داده بود.

بنیان‌گذار پادشاهی صفوی، پس از سرکوبی ازبکان و قتل شیبک خان، از هنرمند یگانه در تبریز استقبال کرد و چنانکه اشاره شد، به «کلانتری کتابخانه همایون» منصوبش ساخت.

در فرمان انتصاب کمال‌الدین بهزاد که با ظرافت و دقت و پربار و پرمعنی نوشته شده، به گرایش‌ها و نقطه‌نظرهای دربار شاه اسماعیل در زمینه هنر، اشارات دقیقی شده است. در این فرمان تصریح گردیده که هدف پادشاه برآنست که هر بخش از هنر به «هنرمندی دانا و کاردانی فضیلت انما که به طراچی ذهن باریک‌بین و رنگ‌آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع انواع کفایت و نقش اختراع اصناف فراست بر تخته وجود ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از چهره‌ی مطلوب و مقصود تواند گشود، مفوض و متعلق باشد» (نوایی: ۱۳۶۱-۳۵۹).

هنر، در چشم شاه اسماعیل؛ شاه اسماعیل در میان هنرها به شعر و نقاشی علاقه داشته است. از توجه او به نقاشی نوشته‌اند که در آغاز پادشاهی نقاشان زبردست را تشویق می‌کرده است. مانی شیرازی، شاعر و نقاش از کسانی بود که در نخستین سال‌های سلطنت شاه اسماعیل موردحمایت او قرار داشت؛ اما سرانجام با اینکه شیفته و دل‌باخته شده بود، بر اثر سعایت حسودان به فرمان شاه صفوی به صورت غم‌انگیزی به قتل رسید.

دکتر سیبلا شوستر والسر نوشته است: بنا به دستور شاه اسماعیل اول ساختمان «کلاه‌فرنگی» در شیراز توسط یک هنرمند پرتقالی نقاشی شد. این کلاه فرهنگی در سال ۱۰۲۶ هـ/ ۱۶۱۷ م / هنوز برجای بود و جهت اقامت در اختیار یک فرستاده اسپانیایی بنام «دن گارسیا سیلوی فیگورا» گذاشته شده بود (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۵۹).

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر . . .

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج و بررسی جامعه‌شناسی ادبیات (نثر و نظم) عصر شاه اسماعیل صفوی وجود سطح بالایی از محتوای عصر شامل تغییرات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی در قالب‌های ادبی و تولیدات ادبی است. عمده‌ترین عوامل جامعه‌شناختی آثار ادبی عصر شاه اسماعیل صفوی عبارتند از: شعر و شاعری با تأسیس سلسله‌ی صفوی دوره‌ی جدیدی که از بسیاری جهات با ادوار پیشین تفاوت داشت به وجود آمد، سلاطین صفوی چندان به شعر و شاعری اهمیت نمی‌دادند و مخصوصاً از مداحی و تملق‌گویی شاعران گریزان بودند تا جایی که مسیح کاشی بر اثر یأس از عنایت و التفات شاه‌عباس ایران را ترک گفت. همچنین بر اساس یافته‌های این مقاله، کلیم، بی‌منزلی شاعر و هنرمند در ایران را که از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت و غربت‌گزینی محسوب می‌گردد، خواری آنان نمی‌داند، بلکه عدم درک و شعور مخاطبان (شاهان) را مانع از شناخت و درک ارزش و منزلت آنان می‌داند. از سوی دیگر بر اساس این تحقیق بیشتر شاهان صفوی از شاه اسماعیل اول گرفته تا شاه‌عباس دوم شعر می‌سرودند و شاعران مرثیه‌پرداز و غیرمذهبی را حمایت می‌کردند. اشتباه است که تصور کنیم که اینان نسبت به شعر به‌طور کلی و نسبت به اشعار، غیرمذهبی به‌طور اخص بی‌اعتنا بودند. چه بسا که اینان از شعر به‌قدر شاهان گورکانی هند لذت می‌بردند. سبب مهاجرت بیشتر شاعران به هند همانا ثروت هند در این دوران بوده است. در ادامه بحث ابعاد فرهنگی سلاطین صفویه برحسب نظریات سیاسی [و مذهبی] و ضدیتی که با دولت عثمانیه داشتند، بیشتر قوای خود را صرف ترویج مذهب شیعه و تشویق علمایی که از اصول و قوانین این مذهب اطلاعات کامله داشتند، می‌نمودند.

در نتیجه چنین سیاستی، به‌تدریج بسیاری از مراکز ادب و شعر به خارج از ایران به‌ویژه هند منتقل شد. شعری هم که در ایران به سر می‌بردند، بنابر توصیه شاهان صفوی در منقبت ائمه شعر می‌سرودند و بدین ترتیب اشعار مذهبی رونق یافت. باید توجه داشت که شاه اسماعیل به علت حاکم و شاعر بودنش در توسعه و تکامل تاریخ و تمدن سرزمین خویش نقش مهمی بازی کرده است. شاه اسماعیل به‌عنوان یک شاعر تغزلی، دارای طبعی بلند و عالی بوده است. او بایاتی‌ها و شعرهای عاشقی زیبایی دارد و شعرهایی را که در وزن هجایی ساخته، با همه خواسته‌های شعر عاشقی هماهنگی دارد؛ بنابراین در عصر شاه اسماعیل نه‌تنها داستان‌های قدیمی تحریر مجدد شد، بلکه هر آنچه در خارج از ایران و در حوزه‌های ادبی فارسی‌زبان نظیر عثمانی و هند تولید می‌شد، نیز مخاطب یافت. از سوی دیگر کلیم اوضاع و احوال ایران و شرایط خاص آن را که در اثر سیاست‌های متناقض صفویان، دچار فراز و نشیب بسیاری شده بود، به‌خوبی درک می‌نماید. او در این روزگار پر از جنگ و ستیز که یا خود شاهد ریختن خون‌های فراوان بوده یا از زبان دیگران به‌کرات شنیده است، در تصویری فراوانی خون‌های ریخته شده را تا بدان حد می‌داند که مردان از آن، چهره خضاب می‌کنند.

از جنبه و بعد جامعه‌شناختی او معتقد است در روزگاری که بی‌رحمی، صفت گسترده و شایع زمانه بوده، تنها موجود دارای رحم و مروت، اجل است که آدمیان را از مصائب و آلام زندگی راحت می‌کند آن‌هم زندگی در روزگاری که غم و اندوه و مصیبت و بیژگی فراگیر و همگانی جامعه شده است. با بررسی عنوان و فحوای مطالب تحفه‌ی سامی به‌وضوح پی می‌بریم که هر بخشی از کتاب به قشری از جامعه بر اساس مناسبات، درجات اجتماعی، علمی و قدرت شاعری آنان، اختصاص داده شده است. از سوی دیگر زورخانه‌های عصر صفوی که غالباً برای پرورش قوای جسمانی و گسترش اخلاق جوانمردی و پرورش تن بود، اشعار شاهنامه خوانده می‌شد. بر اساس بعد فرهنگی با مطالعه‌ی منابع مدارک و شواهد موجود به‌جرت می‌توان گفت که در هیچ دورانی از تاریخ ایران مانند دوران شاه اسماعیل به فردوسی توجه نشده بود و این توجه نتایج مهمی در پی داشت که از جمله احیای هویت ملی ایران و ایجاد وحدت ملی و ورود ایران به عرصه‌ی روابط بین‌الملل و به‌عنوان کشوری که توانست در برابر امپراتوری عظیم عثمانی بایستد. علاوه بر این تثبیت قدرت تأثیرات دیگری هم داشته است که می‌توان به نمود آن در آثار هنری و ادبی و ترویج زبان فارسی اشاره کرد. شربت‌خانه‌ها مکانی فرهنگی دیگری بود که در این دوره مکان تفریح و سرگرمی مردم شده بود و در این مکان‌ها، غالباً نقالی و شاهنامه‌خوانی صورت می‌گرفت و مردم با گذشته و اسطوره‌های سرزمین خود آشنا می‌شدند.

در اهمیت دیگر ابعاد، عصر صفوی، عصر گرایش به صنعت، تمرکز سیاسی و اقتصادی، افزایش سرمایه و نیروی کار، اهل صنعت و ارتباط در بازرگانی بین‌المللی است. هم‌چنین عصر صفویان به لحاظ تعداد منابع تاریخ‌نگاری، یکی از غنی‌ترین دوره‌ها در تاریخ ایران تا زمان خود محسوب می‌شود. در این دوره حدود چهل اثر تاریخ‌نگارانه پدید آمد که به‌احتمال قوی آثار تاریخ‌نگاری هیچ سلسله‌ای از این لحاظ پای این عصر نمی‌رسد.

با دسته‌بندی و جمع‌بندی مطالب بیان شده می‌توان گفت که دوره صفوی نقطه قوت تاریخ کشور ما را تشکیل می‌دهد، چراکه وقتی دولت صفوی قوام گرفت و آنگاه که تثبیت شد، تحول عمیقی را در ایران آغاز کرد و گرچه این تحول با ابزارهای سنتی صورت می‌گرفت، اما سبب شکوفایی همه‌جانبه در ایران شد. آبادی ایران از لحاظ اقتصادی در دوره صفوی بسیار قابل توجه است؛ هم‌چنان که به لحاظ فرهنگی و ساخت و باز ساخت آثار تاریخی، از هر حیث یادآور دوره صفویه پرشکوه و پرثروت در ایران است.

منابع

- اسماعیل‌زاده، میرزه‌رسول. (۱۳۸۸). کلیات دیوان شاه اسماعیل صفوی (خطایی). مؤسسه نشر بین‌المللی المهدی.
- احمد پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۷۶). شاه اسماعیل صفوی. تهران: انتشارات نمونه.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۰). تاریخ ایران در دوره‌ی صفویه (پژوهشی از دانشگاه کمبریج) ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: انتشارات شفق.

بررسی انسجام اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تأکید بر ادبیات مقاومت عصر . . .

- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۷۱). دنیای صائب. به نقل از کتاب صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی. به کوشش محمد رسول دریاگشت، قطره.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نقالی در ایران. نشریه علمی و پژوهشی پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا)، سال سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲: ۳۵-۶۴.
- باباصفوی. (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ (جلد اول). اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- بارت، رولان. (۱۳۷۸). درجه صفر نوشتار. ترجمه‌ی شیرین‌دخت دقیقیان. تهران: نشر هرمس، جلد ۱.
- بیانی، خان بابا. (۱۳۴۹). تاریخ عمومی (جلد اول). تفوق و برتری اسپانیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- تبریزی، صائب. (۱۳۸۳). دیوان. به کوشش محمد قهرمان. تهران: علمی و فرهنگی.
- تنکابنی، محمد. (۱۲۹۰). قصص‌العلماء. (۱۲۹۰)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). سیاست و فرهنگ در روزگار صفوی. ج ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین. فرهنگ سیاست. جلد ۱. پژوهشکده حوزه و دانشگاه،
- جکسون، پیترولورنس لاکهارت. (۱۳۸۷). تاریخ ایران کمبریج. دوره صفوی. ترجمه‌ی تیمور قادری، تهران: انتشارات مهتاب.
- داون، جیمز. (۱۳۷۰). عارف دیهمیم‌دار (شاه اسماعیل صفوی، بنیان‌گذار سلسله صفویان) ترجمه و اقتباس: ذبیح‌الله منصوری. تهران: زرین.
- رحیم‌لو. (۱۳۶۷). یادنامه میرزا جعفر سلطان القرائی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- ریاحی، محمدمامین. (۱۳۷۱). صائب تبریزی شاعر زمانه‌ی خویش. به نقل از کتاب صائب و سبک هندی در گستره‌ی تحقیقات ادبی. به کوشش محمد رسول دریاگشت. قطره.
- سببیللا شوستر والسر. (۱۳۶۴). ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان. ترجمه‌ی غلامرضا ورهرام. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوسی.
- صفوی، سام میرزا. (۱۳۸۴). تذکره تحفه سامی. با تصحیح و تحشیه رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.
- طهماسبی، فرهاد. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی غزل فارسی از رودکی تا عطار. رساله دکتری. اسماعیل حاکمی. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- طهماسبی، فرهاد؛ دستجردی، مجتبی. (بی‌تا). نگاهی جامعه‌شناختی به شعر کلیم کاشانی بر مبنای نقد تکوینی.

- گلدمن، لوئیس. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی ادبیات. تهران: انتشارات هوش و ابتکار. چاپ اول.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۶). ایران و جهان. از مغول تا قاجاریه. موسسه نشر هما. چاپ دوم.
- همانی، کلیم. (۱۳۶۹). دیوان. تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان. آستان قدس رضوی.
- هینس، والتر. (۱۳۷۸). تشکیل دولت ملی. جهان‌داری کیکاووس. تهران: چاپ ۴.

